

The effect of the principle of observance of citizenship rights in Iranian criminal law

Abstract

With the enactment of the Law on Respect for Legitimate Freedoms and the Protection of Citizenship in 2004, the legislature paid special attention to the protection of citizens' rights in the criminal proceedings, and with the enactment of the Code of Criminal Procedure in 2013, this attention increased. In Article 7 of the recent law, the legislator, by establishing the "principle of observance of citizenship rights" while emphasizing the implementation of the above-mentioned law, developed both those covered by the law and providing special enforcement guarantees for non-observance of citizenship rights (which are neglected in the special law Had taken). It affected the guarantee of criminal executions in the existing criminal law, so that it eliminated the punishments in the relevant laws and considered only the punishment provided in Article 570 of the Islamic Penal Code (ta'zir) applicable in cases of violation of the citizenship rights of individuals, except That the relevant legal punishment is more severe than the punishment provided in Article 570.

Keywords:

Citizenship rights, criminal proceedings, judicial authorities, officers, punishment.

تاثیر اصل رعایت حقوق شهروندی در قوانین کیفری ایران

بیژن عباسی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

حسن خانجانی موّقر^۲

چکیده:

با تصویب « قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در سال ۱۳۸۳، قانونگذار توجه خاصی را به حفظ حقوق شهروندان در فرآیند دادرسی کیفری معطوف داشت و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، این توجه بیشتر شد. در ماده ۷ قانون اخیر، قانونگذار، با تاسیس «اصل رعایت حقوق شهروندی» ضمن تأکید بر اجرای قانون صدرالذکر، هم مشمولین قانون را توسعه داد و هم ضمن قید ضمانت اجرای خاص، برای عدم رعایت حقوق شهروندی (که در قانون خاص مورد غفلت قرار گرفته بود). ضمانت اجرای کیفری موجود در قوانین جزایی موجود را تحت تاثیر قرار داد، به گونه ای که مجازاتهای موجود در قوانین مربوط را متنفی و صرفاً مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) را در موارد نقض حقوق شهروندی اشخاص قابل اعمال دانست، مگر اینکه مجازات قانونی مربوطه شدیدتر از مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ باشد.

واژگان کلیدی:

حقوق شهروندی، دادرسی کیفری، مقامات قضایی، ضابطین، مجازات.

^۱دانشیار حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) babbasi@ut.ac.ir^۲دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران (پردیس البرز) hkhanjanim@ut.ac.ir

ریاست قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۸۳/۰۱/۲۰ بخشنامه ای مهم، خطاب به مراجع قضایی، انتظامی، و اطلاعاتی کشور صادر و در چهارده بند خلاصه ای از وظایف مقامات قضایی، ضابطین، بازجویان و ناظران زندانها و بازداشتگاههای سراسر کشور را - که در سایر قوانین از جمله قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری آمده بودند - به منظور تاکید به رعایت آنها، ابلاغ کردند و در بند پایانی بخشنامه مقرر کردند هیأتی برای نظارت بر اجرای موارد یادشده، تعیین گردیده اند و همه قضات و ضابطین مکلف به همکاری با آن هیأت می باشند.

مجلس شورای اسلامی، بی درنگ از بخشنامه ی صادره استقبال و در قالب طرحی دو فوریتی، بخشنامه را به قانون تبدیل و تحت عنوان «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در تاریخ ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ به تصویب رسانید.

قانون، در قالب ماده واحده و پانزده بند تصویب شد و به جز صدر ماده واحده و بند ۱۵، بقیه (بندهای ۱ تا ۱۴) عیناً همان است که در بخشنامه ی ریاست قوه قضاییه آمده. چون بخشنامه، صرفاً برای راهنمایی و ارشاد مأمورین زیردست و مرتبط می باشد و قدرت تعیین ضمانت اجرا ندارد. قانون با همان لحن و محتوا به تصویب رسید و تنها در ماده واحده قید گردید: «متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد» اما چون بسیاری از موارد مذکور در بندهای مختلف، فاقد مجازات در قوانین موضوعه بودند. عملاً قابلیت تعقیب کیفری را هم ندا شتند. این امر موجب شد که قانون، به یک «بیانیه» یا «اعلامیه» تشبیه شود و آنچه که از آن انتظار می رفت برآورده نشود و در نتیجه مورد انتقاد حقوقدانان و سایر افراد قرار گیرد.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، قانونگذار در جهت رفع نقیصه ی فوق و دادن ضمانت اجرای مشخص به قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، در ماده ی ۷ قانون (آیین دادرسی کیفری) مقرر نمود «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ محکوم می شوند. مگر آنکه در سایر قوانین، مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

بدین ترتیب، قانونگذار:

اولاً: اصلی حقوقی تاسیس کرد که تحت عنوان «اصل رعایت حقوق شهروندی» نام گرفته است. (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۲۷)

ثانیا: ضمانت اجرای کیفری برای تمام موارد تخلف از قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر کرد. اما خود، بحثهایی از جهت کیفیت اقدام درباره ی مجازات متخلفین از قانون یاد شده را برانگیخته است که در این نوشتار در صدد بررسی آنها هستیم .

مقاله در سه گفتار تنظیم شده و در گفتار نخست «حوزه ی شمول قانون» و تاثیر ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری را از این جهت بررسی کرده ایم. در گفتار دوم تاثیر ماده ی ۷ را در جرم و مجازات مدنظر داشته ایم و در گفتار سوم نتیجه ی بحث ذکر شده است.

گفتار نخست - حوزه شمول ماده :

خطاب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی (از این پس قانون حقوق شهروندی) به دلالت ماده واحده ی قانون «کلیه ی محاکم عمومی، انقلاب، نظامی و دادسراها و ضابطان قوه قضاییه» بوده است و در واقع قانون حقوق شهروندی، موارد یادشده را مکلف به رعایت بندهای قانون و اجرای آنها می نمود و در باره سایر موارد، ساکت بوده بنابراین دادگاههای تجدید نظر و شعب دیوان عالی کشور و سایر مراجع دیگری که به هر جهت پرونده قضایی در اختیار آنها قرار می گرفت مکلف به رعایت آن قانون و در نتیجه مشمول ضمانت اجرای مربوط نبودند. اما در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند» ملزم به رعایت قانون حقوق شهروندی شده اند. بنابراین حوزه ی شمول قانون گسترده تر شده و همه کسانی که در فرآیند رسیدگی به پرونده ی قضایی کیفری به هر نحو مداخله داشته باشند مشمول قانون و ضمانت اجرای کیفری مربوطه خواهند بود. این افراد را می توان بدین شرح دسته بندی کرد:

الف: مقامات قضایی

همه کسانی که در اجرای بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از سوی ریاست قوه قضاییه و به منظور تصدی یکی از مشاغل قضایی در تشکیلات قضایی منصوب می شوند به عنوان قاضی شناخته شده و واجد وصف «مقام قضایی» خواهند بود. مصادیق این مقامات را می توان به ترتیب زیر بیان کرد:

- ۱- قضات شعب دیوان عالی کشور
- ۲- قضات دادسرای دیوان عالی کشور
- ۳- قضات دادگاههای تجدید نظر استان

۴- قضات دادگاههای عمومی (کیفری یک و دو)، انقلاب (وحدت قاضی یا تعدد قاضی) و نظامی (نظامی یک و دو و تجدید نظر نظامی، نظامی یک و دو و تجدید نظر نظامی زمان جنگ - موضوع ماده ۵۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری)

۵- قضات دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی (دادستان، معاون دادستان، بازپرس و دادیار)

سایر مقامات قضایی (همانند قضات دادگاههای حقوقی و دادگاه انتظامی قضات و دیوان عدالت اداری)، چون در فرآیند دادرسی کیفری مداخله ندارند، اصولاً نمی‌توانند مشمول قانون حقوق شهروندی و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار گیرند. مگر اینکه وجهی قانونی برای مداخله در این فرآیند پیش آید. همانند اینکه قاضی دادگاه حقوقی در اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، محکوم علیه حقوقی را به جای معرفی به زندان به تحت نظرگاه مراجع انتظامی معرفی و اعزام کند.

در عین حال، مراجع دیگری هستند که به نوعی به امور کیفری می‌پردازند، اما در شمول قانون، نسبت به آنها تردید وجود دارد.

یک - قضات دادرها و دادگاه ویژه روحانیت

مرجع یادشده، با حکم حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۶ تشکیل و هم‌اکنون برابر آیین نامه‌ی دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت مصوب ۶۹/۰۵/۲۴ با اصلاحات ۸۴/۰۹/۰۲ مقام معظم رهبری، به همه جرایم روحانیون و اعمال خلاف شان آنها، همه اختلافات محلی مخل امنیت عمومی، در صورتیکه طرف اختلاف روحانی باشد و سایر امور محوله از سوی مقام معظم رهبری (ماده ۱۳ آیین نامه) رسیدگی می‌کند.

برابر مواد ۳، ۷، ۸ و ۱۰ آیین نامه‌ی مذکور، قضات دادرها و دادگاه‌های ویژه حسب مورد از سوی مقام معظم رهبری یا دادستان منصوب، منصوب می‌شوند و آیین رسیدگی دادرها هم در همان آیین نامه، مذکور است. اما در ماده ۵۲ آیین نامه الحاقی ۱۳۸۴ مقرر شده در موارد سکوت آن آیین نامه، مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری حاکم خواهد بود. بدین شرح: «به جز در مواردیکه در این قانون تصریح شده است وظایف و اختیارات قضات دادرها و دادگاه، بر حسب مورد، برطبق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری می‌باشد» با این کیفیت، چون موضوع ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، حفظ حقوق شهروندی و ناظر بر احکام آن قانون در تعیین وظایف و اختیارات قضایی می‌باشد و در آیین نامه‌ی دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت هم در خصوص موضوع آن، حکمی خاص یا معارض وجود ندارد. مقررات ماده یاد شده بر قضات دادرها و دادگاه ویژه‌ی روحانیت نیز حاکم می‌باشد.

دو - مقامات رسیدگی کننده در سازمان تعزیرات حکومتی

بر اساس ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ همه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی اعم از امور بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت (قوه

مجریه (محوّل شده تا براساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ اقدام نماید. تعیین سازمان، تشکیلات و عوامل نظارت و بازرسی، رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن، تجدید نظر و رسیدگی به شکایات و شرح وظایف آنها و رسیدگی و ضوابط اجرایی، مالی و استخدامی به هیأت وزیران واگذار شده است. برابر مصوبه ی هیات وزیران نیز (ماده ی ۱ آیین نامه تعزیرات حکومتی) سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر وزارت دادگستری تشکیل شده است. برای رسیدگی و صدور رای راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی، شعب تعزیرات حکومتی مشتمل بر شعب بدوی و تجدیدنظر تشکیل می شود. شعبه بدوی با یک نفر رییس و شعبه تجدید نظر با سه عضو (یک رییس و دو عضو دیگر) تشکیل و اعضا با ابلاغ رییس سازمان تعزیرات حکومتی منصوب می گردند.

رسیدگی شعب تعزیرات حکومتی و احکام صادره به کیفیت مقرر در قانون تعزیرات حکومتی، ماهیت قضایی دارد و از مراحل دادرسی است که بعضاً حتی منتهی به بازداشت اشخاص می شود و نباید اصول قانون اساسی، به جهت این امور نقض شود. در عین حال، رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی، تابع قانون آیین دادرسی کیفری نیست. مگر در مورد تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که در ماده ۴۶ آن قانون، به شعب تعزیرات حکومتی، همه ی اختیارات مراجع قضایی در رسیدگی به پرونده های موضوع قانون را، جز در موارد خاص داده است. بنابراین در اینگونه پرونده ها، شعب سازمان تعزیرات حکومتی نیز مکلف به رعایت قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حقوق شهروندی بوده و در صورت تخلف، مشمول ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار می گیرند.

ب- ضابطین دادگستری

«ضابطین دادگستری، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع آوری ادله ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می کنند.» (ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری)

ضابطین به دو دسته عام و خاص تقسیم می شوند:

۱- ضابطین عام «ضابطانی هستند که صلاحیت عام دخالت در مورد هر جرمی را دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرایمی معین یا شرایطی خاص نیست» (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۶۲) مگر در مواردیکه به موجب قانون، این صلاحیت از ایشان سلب شده باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری در بند الف ماده ۲۹ ضابطان عام را شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش مربوط را دیده باشند دانسته است. علاوه براین برابر ماده ۳۰ همان قانون، صرف عضویت در نیروی انتظامی، فرد را واجد وصف ضابطیت نمی کند و ضرورت دارد شخص پس از گذراندن آموزشهای لازم،

کارت ویژه ضابطان دادگستری را هم تحصیل نماید. این کارت از سوی دادستان حوزه قضایی صادر می‌شود و با آن مجاز به انجام وظایف محوله به عنوان ضابط دادگستری می‌باشد. (بند ب ماده ۱ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۹۴/۰۶/۳۱ ریاست محترم قوه قضاییه).

۲- ضابطين خاص، کسانی هستند که قانونگذار در موارد خاص یا شرایط خاص، به آنها اجازه ی مداخله و انجام تحقیقات مقدماتی را داده است. به برخی از مصادیق این ضابطين در بند «ب» ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری بدینشرح اشاره شده است:

یک: روسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.

دو- مأموران وزارت اطلاعات.

سه: مأموران سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

چهار: مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

پنج: سایر نیروهای مسلح، در مواردی که به موجب قانون، تمام یا برخی وظایف ضابطان به آنان محول می‌شود.

این دسته از ضابطين نیز باید مورد اعتماد و وثوق بوده و پس از فراگیری مهارتهای لازم، کارت ضابطیت را دریافت کنند.

همه این ضابطين مشمول قانون حقوق شهروندی بوده و مکلف به رعایت مفاد آن هستند.

ج- سایر اشخاص دخیل در امر کیفری

این قسمت از ماده ۷ ق. آ. د. ک. حوزه ی شمول قانون را بسیار گسترده کرده و همه ی کسانی را که در فرآیند دادرسی مداخله دارند مشمول کرده است. برخی حقوقدانان وکیل و کارشناس را از مصادیق این قسمت قرار داده اند (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۳۲) در حالیکه به نظر می‌رسد در تفسیر این قسمت به قرینه ی مقامات قضایی و ضابطين دادگستری منظور قانونگذار کسانی بوده که در امر بررسی پرونده ی کیفری به نوعی اظهار نظر یا اقدام خاص انجام می‌دهند. همانند بخشی از نیروی انتظامی یا سایر نیروهای مسلح یا وزارت اطلاعات که واجد اوصاف و ویژگی های مقرر در قانون برای ضابطیت نیستند، اما در انجام وظایف ذاتی خود مکلف به اظهار نظر درباره جرایم (حسب استعمال مقامات قضایی) هستند که باید از هر گونه اظهار نظر مغرضانه و خلاف واقع پرهیزند یا مأمورین و کارکنان سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی که در اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مسئولیت نگهداری از اموال مکشوفه را بر عهده دارند مرتکب تضییع اموال مربوطه شوند یا مأمورین

گرمک در اظهار نظر خود راجع به اموال قاچاق، موجبات دخل و تصرف ناروا نسبت به اموال مردم را فراهم کنند و نیز کارکنان اداری مراجع قضایی.

گفتار دوم - تأثیر در جرم و مجازات

با تصویب ماده ۷ ق. آ. د. ک بخشی از قوانین جزایی موجود تحت تأثیر قرار گرفته و عناوین مجرمانه ی جدیدی نیز خلق شده و در برخی موارد تعارضاتی پیش آمده است که به بررسی آنها می پردازیم .

الف- رفتار مجرمانه ی موضوع قانون مجازات اسلامی در رابطه با نقض حقوق شهروندی

موارد مجرمانه ی مربوط به نقض حقوق شهروندی، نوعاً در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) فصل دهم مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ در چند ماده (از ماده ۵۷۰ تا ۵۸۷) و نیز موا ۵۹۵ و ۶۰۵ همان قانون ذکر شده و شامل عناوین مجرمانه زیر می باشد:

۱- سلب غیر قانونی آزادی شخصی افراد ملت از سوی مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی (ماده ی ۵۷۰)

۲- محروم سازی غیر قانونی افراد ملت از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۷۰)

۳- خودداری ضابطين از استماع شکایت محبوس غیرقانونی و ایصال تظلم او به مقامات صلاحیتدار (م ۵۷۲) .

۴- قبول زندانی بدون برگ بازداشت (م ۵۷۳) (گونه ای بازداشت غیرقانونی)

۵- خودداری یا ممانعت مسوولین و مأمورین بازدا شتگاه ها و ندامتگاه ها از ارایه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضایی (م ۵۸۴)

۶- خودداری یا ممانعت مسوولین و مأمورین یادشده از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح (م ۵۸۴)

۷- توقیف غیر قانونی اشخاص از سوی مقامات قضایی (م ۵۷۵)

۸- صدور دستور غیر قانونی بازداشت اشخاص (م ۵۷۵)

۹- صدور دستور غیر قانونی تعقیب جزایی اشخاص (م ۵۷۵)

۱۰- صدور قرار مجرمیت اشخاص برخلاف قانون (م ۵۷۵)

- ۱۱- شکنجه ی متهمان به منظور کسب اقرار (م ۵۷۸)
- ۱۲- صدور دستور شکنجه ی متهمان به منظور کسب اقرار (م ۵۷۸)
- ۱۳- اعمال مجازات محکوم سخت تر از مجازات مقرر در حکم (م ۵۷۹)
- ۱۴- اعمال مجازات خودسرانه و خارج از حکم نسبت به محکوم علیه (م ۵۷۹)
- ۱۵- صدور دستور اعمال مجازات سخت تر از مورد حکم یا خارج از آن (م ۵۷۹)
- ۱۶- ورود به منزل اشخاص بدون ترتیب قانونی (م ۵۸۰)
- ۱۸- مسلط شدن من غیر حق بر مال یا حق دیگری با سوءاستفاده از موقعیت شغلی (م ۵۸۱)
- ۱۹- خرید مال یا حق کسی با جبر و قهر و با سوءاستفاده از موقعیت شغلی (م ۵۸۱)
- ۲۰- اکراه مالک به فروش مال یا حق خود به دیگری با سوءاستفاده از موقعیت شغلی (م ۵۸۱)
- ۲۱- هتک حرمت مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی و افشای مطالب آنها از سوی مستخدمین و مأمورین دولتی بدون مجوز قانونی (م ۵۸۲)
- ۲۲- توقیف یا حبس اشخاص بدون مجوز قانونی از سوی مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها (م ۵۸۳)
- ۲۳- مخفی کردن افراد توقیف یا حبس شده بدون مجوز قانونی (م ۵۸۳)
- ۲۴- شکنجه یا تهدید افراد توقیف شده یا حبس شده یا مخفی شده ی غیر قانونی (م ۵۸۷)
- ۲۵- امتناع مقامات قضایی از رسیدگی به شکایت و تنظیم (م ۵۹۷)
- ۲۶- اظهارنظر مقامات قضایی یا ضابطین از روی غرض و برخلاف حق درباره ی یکی از طرفین (م ۶۰۵)

ب- جرم زایی ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ی ۷ ق. آ.د.ک.، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون حقوق شهروندی را الزامی دانسته و عدم رعایت آن حقوق را مستلزم مجازات مقرر در ماده ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) اعلام کرده است. با اندکی دقت در بندهای گوناگون قانون حقوق شهروندی، و با توجه به حکم مقرر در ماده ی ۷ ق. آ.د.ک. می توان ۳۹ عنوان مجرمانه برای مقامات قضایی و ۴۲ عنوان مجرمانه برای ضابطین قضایی استخراج کرد

در واقع هر یک از تکالیفی که به موجب قانون حقوق شهروندی برای مقامات قضایی یا ضابطین یا سایر افراد دخیل در امور کیفری مقرر شده، تخلف از آنها واجد وصف مجرمانه شده و مستلزم مجازات برای متخلف می باشد. در حالیکه پیش از تصویب ق.آ.د.ک. موارد مجرمانه همان بود که در قانون مجازات اسلامی، به عنوان جرم تعریف و برای آنها مجازات تعریف شده بود و سایر موارد صرفاً تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شد. با این کیفیت، با تصویب ماده ۷ ق.آ.د.ک.، قانونگذار مبادرت به جرم انگاری همه گونه نقض حقوق شهروندی و افزایش عناوین مجرمانه کرده است. (۱)

ج- تحلیل ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۷ یادشده، با جرم دانستن تخلف از رعایت حقوق مقرر در قانون حقوق شهروندی، در واقع در مواردی جرم زایی کرده و در مواردی هم جرایم پیشین را تحت تأثیر قرار داده است در این مورد، نکاتی قابل ذکر می باشد:

۱- برخی از حقوق مقرر در قانون حقوق شهروندی، آنچنان کلی است که خود امکان دارد نقض آنها عناوین و رفتارهای مجرمانه ی متعددی را در برگیرد، مثلاً در بند ۱ ماده واحده، بخشی از حقوق مقرر برای متهمان، عدم استفاده ی ضابطین و مقامات قضایی از سلايق شخصی و نیز ممنوعیت سوءاستفاده از قدرت عمومی است. قدرت عمومی برای ارایه ی خدمت عمومی به متصدیان مناصب عمومی واگذار می شود تا با استفاده ی از آن، امور همگانی را انجام دهند. آنها برابر شرایط و موازینی که در قانون مقرر می شود و هیچ گاه نباید از این قدرت سوءاستفاده شده و در خارج از چارچوب قانونی، به نفع دارنده ی منصب یا اطرافیان یا دیگران، بهره گیری شود.

مصادیق استفاده ی نابجا و سوءاز قدرت عمومی در امر دادرسی کیفری گوناگون هستند و می توان به مواردی همچون بازداشت غیر قانونی یا ورود غیر مجاز به منازل اشخاص اشاره کرد. بدیهی است در اینگونه موارد همان رفتار مجرمانه ی خاص مورد بررسی و صدور حکم قرار خواهد گرفت. اما اگر رفتار صورت گرفته در هیچ یک از مصادیق احصایی ننگنجد، آنگاه از این عناوین کلی برای محاکمه و مجازات مرتکب استفاده خواهد شد.

۲- با توجه به عناوین مجرمانه ی جدیدی که از تلفیق قانون حقوق شهروندی و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایجاد شده است، در مورد مجازاتهای مندرج در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) به نظر می رسد تغییراتی حاصل شده است:

۱-۲- در ماده ی ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) چهار رفتار مجرمانه را مدنظر داشته و برای آنها مجازات تعیین کرده است:

- توقیف اشخاص بر خلاف قانون
- صدور دستور بازداشت اشخاص بر خلاف قانون
- صدور دستور تعقیب جزایی اشخاص بر خلاف قانون
- صدور قرار مجرمیت اشخاص بر خلاف قانون

بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی، متعزض «توقیف اشخاص» و بند ۱ آن ماده، متعزض «تعقیب جزایی» و «بازداشت» اشخاص است که باید مبتنی بر قانون انجام شوند. در ماده ۵۷۵ یاد شده، مجازات رفتارهای مجرمانه، انفصال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال ذکر شده است. حال با لحاظ ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، که مجازات نقض حقوق مقرر در قانون حقوق شهروندی را مجازات موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ذکر کرده، تکلیف برای تعیین مجازات چیست؟

به نظر می رسد با توجه به حکم مقرر در ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در این موارد، از این پس، تعیین مجازات بر اساس ماده ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) خواهد بود.

۲-۲- براساس ماده ی ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی، برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه ی اذیت و آزار فوت کند، مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

درباره ی این ماده، این نکات قابل ذکر است:

یک- در این ماده تنها یک مصداق از مصادیق شکنجه، یعنی «اذیت و آزار بدنی» مورد توجه قرار گرفته و جرم شناخته شده، در حالیکه در قانون اساسی، با به کار بردن عبارت «هرگونه شکنجه» مصادیق گوناگون شکنجه، اعم از جسمی، روحی، روانی، اهانت و فحاشی و نظایر آنها را در اصل سی و هشتم مدنظر قرار داده و قانونگذار عادی را مکلف به جرم دانستن، با این کیفیات دانسته است، امامقنن در ماده ی ۵۷۸ به شرح مذکور شکنجه (یا جرم بودن شکنجه) را محدود به شکنجه ی جسمی و اذیت و آزار بدنی کرده است (هاشمی، ۱۳۸۴ ص ۳۱۷).

دو- محدودیت دیگری که در ماده ی ۵۷۸ وجود دارد، آن است که صرفاً «اذیت و آزار بدنی» برای «اجبار به اقرار» را جرم دانسته است. در حالیکه در اصل ۳۸ قانون اساسی، «کسب اطلاع» هم درج شده و امکان دارد منظور از شکنجه، اذیت و آزار فرد، برای کسب اطلاع در مورد شخص ثالث باشد و اطلاعاتی که شخص تحت شکنجه درباره ی ثالث می دهد، اقرار نیست. بنابراین تعریف قانون مدنی (ماده ی ۱۲۵۹) و قانون مجازات اسلامی

(ماده ی ۱۶۴) اقرار اخباری است به ضرر خود شخص، اما در کسب اطلاع، شخص اطلاعاتی درباره ی سایر اشخاص یا موضوعات ارایه می کند .

سه - بند ۹ ماده واحده ی قانون حقوق شهروندی مقرر می دارد: «هر گونه شکنجه ی متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت»

این حکم قانونی، اولاً: هرگونه شکنجه ی متهم و یا اجبار او به امور دیگر را به صورت کلی و مطلق ممنوع دانسته است. بنابراین دامنه ی مجرمانه بودن شکنجه را توسعه داده و هر نوع رفتار و به هر منظور را شامل می شود. ثانیاً: با لحاظ ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در مجازات مربوطه، تغییراتی داده شده است. مجازات مندرج در ماده ی ۵۷۸ شامل دو قسمت می باشد: بخشی به عنوان حق الناس که حسب مورد قصاص یا دیه خواهد بود و بخشی به عنوان مجازات عمومی که شش ماه تا سه سال حبس است.

ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مجازات عدم رعایت حقوق شهروندی را برابر ماده ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی دانسته که شامل حبس از دو ماه تا سه سال و انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی می باشد با این کیفیت:

۱- حق الناس (قصاص یا دیه) در هر حال، به حال خود باقی است .

۲- درباره ی مجازات عمومی، ذیل ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مجازات نقض حقوق شهروندی را همان مجازات موضوع ماده ی ۵۷۰ دانسته، مگر اینکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری آمده باشد که به نظر می رسد مجازات مندرج در ماده ی ۵۷۸، اخف از مجازات ماده ی ۵۷۰ است و به همین جهت درباره ی شکنجه باید مجازات ماده ۵۷۰ اعمال شود و مجازات ماده ی ۵۷۸ منتفی می باشد .

۳-۲- مجازات موضوع مواد ۵۸۰ تا ۵۸۷ نیز به جهت اخف بودن از مجازات موضوع ماده ی ۵۷۰ منتفی بوده و با لحاظ قسمت اخیر ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مجازات ماده ی اخیرالذکر (۵۷۰) اعمال می شود.

۳- درباره ی مواردی که جزو حقوق شهروندی افراد در قانون حقوق شهروندی ذکر شده، اما تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، ضمانت اجرای کیفری نداشته، با تصویب ماده ی ۷ قانون اخیر، برابر ماده ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده)، در صورت عدم رعایت آن حقوق، متهم مورد مجازات قرار می گیرد. همانند محروم کردن افراد با سواد از نوشتن پاسخها توسط خودشان (بند ۱۳ ماده واحده ی حقوق شهروندی)

۴- در مواردی، قانونگذار علیرغم حکم مقرر در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در سایر موارد همان قانون درباره ی موضوع نقض حقوق شهروندی، جداگانه تعیین تکلیف کرده و قید مجازات داشته است. همانند مواد ۵۵ و ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری (لزوم صدور اجازه ی موردی برای ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و

بازرسی آنها و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود) و ماده ی ۱۹۵ (پرسش ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده ی آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است).

در مورد موضوع بازرسی، بند ۸ قانون حقوق شهروندی تعیین تکلیف کرده، اما حکم آن کلی است و بازرسی ها را برابر موازین قانون دانسته است و عدم رعایت احکام قانونی و حقوق ایجاد شده برای اشخاص در این باره، با توجه به ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مستلزم مجازات مقرر در ماده ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) می باشد. اما قانونگذار در مواد ۵۵ و ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، حکم خاصی را درباره ی بازرسی مقرر کرده و ضمانت اجرای عدم رعایت آن را به شرح ماده ۶۳ همان قانون، انفصال موقت از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال مقرر کرده است. در ماده ۱۹۶ قانون مرقوم نیز، تخلف از حکم ماده ی ۱۹۵ را، محکومیت انتظامی تا درجه ی چهار دانسته است.

بدیهی است آنچه در ماده ی ۱۹۶ مقرر شده، صرفاً جنبه اداری و انتظامی موضوع را شامل می شود و مانع از اعمال مجازات کیفری مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیست. اما در مورد حکم مقرر در ماده ی ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، اختلاف نظر وجود دارد:

۱- یک نظر این است که قانونگذار در صدر ماده ی ۶۳، از عبارت «تخلف» استفاده کرده و عنوان «جرم» به آن نداده است و محکومیت به انفصال از خدمات دولتی هم ناظر به تخلفات کارکنان دولت می باشد که در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به آن اشاره شده است و در قانون تشکیل هیاتهای انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ نیز در تبصره ی ماده ۲، یکی از موارد تخلفات کارکنان نیروهای مسلح از جمله مأمورین انتظامی را تخلف از احکام مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ دانسته است. به علاوه:

یک- قانونگذار هر چند در درجه بندی مجازاتها در ماده ۱۹ انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی را جزو مجازاتها آورده، اما ذکری از انفصال موقت نکرده و در ماده ی ۲۳ همان قانون، انفصال از خدمات دولتی و عمومی را از جمله ی مجازاتهای تکمیلی ذکر کرده است و در رویه ی قضایی و مواد تعزیری قانون مجازات، مجازاتها غالباً از جنس حبس، جزای نقدی و شلاق هستند.

دو- قانونگذار در ماده ۳۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر دادنامه پیش از امضای آن را ممنوع دانسته و متخلف حسب مورد، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیات رسیدگی به تخلفات اداری به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود.

قانونگذار در این ماده، انفصال از خدمات دولتی را از نوع مجازاتها و تنبیهات اداری دانسته و مراجع انتظامی و اداری را مجاز به صدور حکم در این رابطه دانسته است و حکم مقرر در تبصره ی ماده ۵۹ و ماده ۶۳ نیز از همین نوع است و اصولاً به عنوان تخلف محسوب و از سوی مراجع انضباطی و اداری ذیربط، به آن رسیدگی و مورد

حکم قرار می‌گیرد و از قانونگذار بعید است که یک مجازات را در یک قانون، در ماده‌ای از جنس اداری و در ماده‌ی دیگر از جنس کیفری قرار دهد.

۲- نظر دیگر این است که قانونگذار در ماده ۶۳، تخلف از مقررات مواد ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری توسط ضابطان را جرم دانسته و متخلفان به حکم دادگاه صالحه، به انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۹۱ و مهابادی، ۱۳۹۴، ص ۵۹، مؤذن زادگان و محمدکوره پز، ۱۳۹۵، ص ۶۶)

ثمره‌ی توجه به هریک از دو نظر فوق این است که:

الف- اگر قابل به تخلف دانستن ماده‌ی ۶۳ شویم. بنابراین به اصل کلی و حکم مقرر در ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ و ماده‌ی ۲۳ قانون تشکیل هیاتهای انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۴، ضمن اینکه به تخلف در مرجع انضباطی یا اداری رسیدگی و از جهت مزبور رأی صادر می‌شود. به علاوه، وقتی واجد وصف مجرمانه باشد موضوع برای رسیدگی کیفری هم به مرجع کیفری صالحه ارجاع می‌شود تا از این جهت هم بررسی و حکم مقتضی صادر شود. در نتیجه تخلف از مواد ۵۵ و ۱۴۱ یا ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری یا مواد مشابه هم وصف «تخلف» پیدا می‌کند و هم وصف «جرم» و در نهایت در دو مرجع جداگانه رسیدگی و حکم لازم را صادر می‌کنند.

ب- در صورتیکه قابل به جرم بودن حکم مقرر در ماده‌ی ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری شویم. هر چند وصف «تخلف» به جای خود باقی است، اما دیگر درباره‌ی مواد ۵۵ و ۱۴۱ ق.آ.د.ک. یا سایر موارد مربوط به نقض حقوق شهروندی، که در ماده‌ی ۶۳ راجع به آنها تعیین تکلیف شده، نمی‌توان با لحاظ ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری و با استناد به ماده‌ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) رسیدگی و حکم صادر کرد. بلکه حکم موضوع ماده‌ی ۶۳ حکم خاصی بوده و نسبت به حکم عام ماده‌ی ۷، حاکم بر آن خواهد بود.

به نظر می‌رسد با توجه به استدلالهایی که در مورد تخلف دانستن حکم مقرر در ماده‌ی ۶۳ آمده، این نظر، صائب تر بوده و در جهت جلوگیری از نقض حقوق شهروندی افراد هم، موجه تر می‌باشد و در نتیجه هم مجازات موضوع ماده‌ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) از جهت کیفری اعمال می‌شود و هم تنبیهات موضوع ماده‌ی ۶۳.

با توجه به مجموع مطالبی که گفته شده می توان نتیجه گرفت:

باتصویب ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مشمولین قانون حقوق شهروندی وسیع تر و گسترده تر شده و از قضات دادسراها و دادگاه های عمومی و انقلاب و نظامی به همه ی مقامات قضایی که در امر رسیدگی به پرونده های کیفری دخالت دارند و در هر سطحی که باشند (دادسراها، دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور) افزایش یافته و به علاوه با آوردن عبارت « سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند» هر فردی را که به نوعی در این امر مداخله دارند، از جمله کارکنان اداری مراجع قضایی، مکلف به رعایت حقوق شهروندی اشخاص شده اند و در صورت نقض این حقوق از سوی افراد یادشده و ضابطین، با ضمانت اجرای کیفری مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مواجه می شوند.

همچنین با تصویب ماده ی ۷ یادشده و اجرای آن:

اولاً: به نوعی جرم زایی صورت گرفته و نقض هر یک از حقوق مقرر در قانون حقوق شهروندی خود یک رفتار مجرمانه ی جداگانه شناخته می شود.

ثانیاً: برخی از حقوق مقرر در قانون حقوق شهروندی کلی است و مثلاً « اعمال هر گونه خشونت به متهم ممنوع می باشد یا سوءاستفاده از قانون در برخورد بامتهم ممنوع خواهد بود. این عبارات، کلی و قابل تطبیق بر رفتارهای مختلف هستند و تاب تفسیر فراوان دارند و در نتیجه امکان دارد با تفسیری، رفتار خاصی را منطبق با آنها دانسته و نقض حقوق شهروندی محسوب کرد و یا با تفسیر مشابهی، نقض حقوق ندانسته و به ضرر متهم اقدام نمود.

به علاوه با تصویب ماده ی ۷، در تمامی مواردی که قبلاً قانونگذار مصادیقی از نقض حقوق شهروندی را جرم دانسته و تعیین کیفر کرده بود (همانند فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی - تعزیرات) از این پس، تعیین کیفر درباره ی آنها براساس ماده ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) خواهد بود و مجازات مذکور در مواد مربوطه منتفی است، مگر اینکه مجازات مذکور در آن موارد، اشد از مجازات مقرر در ماده ی ۵۷۰ باشد. مثلاً مجازات مذکور درباره ی شکنجه، دیگر مجازات مقرر در ماده ی ۵۷۸ قانون، مجازات اسلامی (تعزیرات) نخواهد بود بلکه مجازات موضوع ماده ی ۵۷۰ همان قانون، مورد حکم قرار می گیرد.

نتیجه ی مهم دیگر اینکه در مواردی همچون ماده ی ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار درباره ی نقض برخی از حقوق شهروندی، علاوه بر ماده ی ۷ قانون، حکم خاصی را مقرر کرده که موجب اختلاف برداشت و به نوعی تعارض شده، که آیا حکم مقرر در هر دو ماده به اعتبار تخلف و جرم قابل اعمال است یا اینکه صرفاً یک مجازات؟ که به نظر می رسد حکم مقرر در ماده ی ۶۳ جنبه ی اداری و انضباطی دارد و مانع از اعمال ماده ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیست.

در مجموع لازم است قانونگذار حقوق شهروندی را اصلاح و دامنه‌ی شمول، مصادیق حقوق شهروندی، ضمانت اجرای کیفری، اداری و انضباطی و مدنی و نهادهای ناظر بر اجرای قانون را مشخص نماید تا از بروز اختلاف نظر و برداشتهای گوناگون درباره‌ی موضوع جلوگیری شود.

پاورقی:

۱- مواردی را که با دقت در قانون حقوق شهروندی و با توجه به ماده‌ی ۷ ق.آ.د.ک. می توان به عنوان عناوین مجرمانه‌ی جدید استخراج کرد عبارتند از:

الف - برای مقامات قضایی.

بند یک :

- ۱- عدم رعایت قانون در کشف جرم
- ۲- عدم رعایت قانون در تعقیب جرایم
- ۳- عدم رعایت قانون در انجام تحقیقات
- ۴- عدم رعایت قانون در صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت
- ۵- اعمال سلیقه‌ی شخصی در کشف جرم
- ۶- اعمال سلیقه‌ی شخصی در تعقیب جرایم
- ۷- اعمال سلیقه‌ی شخصی در انجام تحقیقات
- ۸- اعمال سلیقه‌ی شخصی در صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت
- ۹- سوءاستفاده از قدرت عمومی

۱۰- اعمال هر گونه خشونت نسبت به اصحاب پرونده و مردم در جریان رسیدگی قضایی

۱۱- بازداشت اضافی و بدون ضرورت قانونی .

بند دو

- ۱- عدم رعایت قانون در صدور حکم محکومیت
- ۲- صدور حکم محکومیت برای افرادی غیر از مباشر، شریک و معاون جرم

بند سه

- ۱- عدم رعایت حق دفاع متهمان و متشکی عنهم
- ۲- جلوگیری از استفاده‌ی متهم یا متشکی عنه از وکیل
- ۳- جلوگیری از استفاده‌ی متهم یا متشکی عنه از کارشناس

مراعات نکردن اخلاق و موازین اسلامی در رسیدگی های قضایی نسبت به همه ی مراجعین به دستگاه قضایی

بند نه

- ۱- هر گونه شکنجه ی متهم به منظور اخذ اقرار
- ۲- اجبار متهم به امور دیگر (غیر از شکنجه) به منظور اخذ اقرار
- ۳- اعتبار دادن به اقرارهای تحصیل شده از طریق شکنجه یا طرق غیر قانونی دیگر

بند ده

- ۱- عدم توجه به اصول و شیوه های علمی در امر تحقیقات
- ۲- عدم برخورد با کسانی که در انجام تحقیقات ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته اند.
- ۳- عدم برخورد با کسانی که در اجرای وظایف خود به روشهای خلاف قانون متوسل شده اند .

بند یازده

- ۱- طرح پرسشهای غیر مفید و مبهم یا بی ارتباط با اتهام یا اتهامات انتسابی به متهم
- ۲- پرسش در اسرار شخصی و خانوادگی متهم
- ۳- پرسش از گناهان گذشته ی متهم ← (مواردی که متهم قبلاً مرتکب شده و برای رسیدگی به قاضی ارجاع نشده است)
- ۴- پرداختن در پرونده ی مورد بررسی به موضوعات غیر مؤثر در آن

بند دوازده

- ۱- تغییر و تبدیل در پاسخ اظهارشده از سوی افراد
- ۲- نخواندن اظهارات فرد اظهار کننده برای وی، پس از اخذ اظهارات (به منظور گواهی و امضاء)
- ۳- محروم کردن افراد باسواد از نوشتن پاسخها توسط خودشان

بند سیزده

- ۱- نظارت نکردن بر بازداشتگاه های نیروهای ضابط یا دستگاه هایی که به موجب قوانین خاص، وظایف آنان را انجام می دهند.
- ۲- عدم نظارت بر چگونگی رفتار مأموران و متصدیان بازداشتگاه ها با متهمان
- ۳- عدم تشویق و تقدیر مجریان صحیح مقررات

۴- عدم برخورد قانونی با متخلفان در بازداشتگاهها یا مامورین بدرفتار

بند چهارده

- ۱- دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان
- ۲- عدم تعیین تکلیف اموال و اشیای ضبطی و توقیفی در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار
- ۳- عدم اهتمام لازم در حفظ و مراقبت از اموال و اشیای ضبطی و توقیفی تا هنگام اتخاذ تصمیم
- ۴- استفاده ی شخصی از اموال و اشیای ضبطی و توقیفی
- ۵- استفاده ی اداری از اموال و اشیای ضبطی و توقیفی

ب- برای ضابطین (عام و خاص)

بند یک

- ۱- عدم رعایت قانون در کشف جرم
- ۲- عدم رعایت قانون در تعقیب جرم
- ۳- عدم رعایت قانون در انجام تحقیقات .
- ۴- بازداشت متهمان بدون رعایت قانون یا اخذ تأمین از ایشان
- ۵- اعمال سلیقه شخصی در کشف جرم
- ۶- اعمال سلیقه شخصی در انجام تحقیقات
- ۷- سوءاستفاده از قدرت عمومی
- ۸- اعمال هر گونه خشونت نسبت به اصحاب دعوی کیفری

بند چهار

عدم رعایت اخلاق و موازین اسلامی در انجام وظایف قانونی و برخورد با مردم

بند پنج

- ۱- دستگیری و بازداشت افراد بدون رعایت موازین قانونی
- ۲- عدم ارسال پرونده متشکله متهمان دستگیر شده در مهلت مقرر قانونی به مراجع صالح قضایی
- ۳- عدم اطلاع به خانواده ی دستگیر شدگان

بند شش

- ۱- آزار افراد همانند بستن چشم و سایر اعضا
- ۲- تحقیر و استخفاف افراد دستگیر شده و یا تحت بازجویی و تحقیقات و استطلاع

- ۱- پوشاندن صورت متهمان (یا پوشاندن صورت بازجویان و مأموران تحقیق در هنگام تحقیق)
- ۲- نشستن مأموران تحقیق و بازجویان پشت سر متهم
- ۳- بردن متهمان به اماکن نامعلوم
- ۴- ارتکاب اقدام های غیر متعارف (قابل تفسیر شدید) از سوی مأموران و بازجویان در حق متهمان

بند هشت

- ۱- عدم رعایت مقررات قانونی در بازرسی ها و معاینات محلی برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم
- ۲- ایجاد مزاحمت نسبت به سایر اشخاص در بازرسی ها و معاینات محلی برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم
- ۳- بی احتیاطی (قابل تفسیر شدید) در بازرسی ها و معاینات محلی برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم
- ۴- تعرض مأموران در هنگام بازرسی یا معاینه محلی به اسناد و مدارک و اشیای غیر مرتبط به جرم
- ۵- تعرض مأموران در هنگام بازرسی یا معاینه محلی به اسناد و مدارک و اشیای مربوط به دیگران (غیر متهم)
- ۶- افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی
- ۷- ضبط (توقیف) بی مورد نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی

بند نه

- ۱- هرگونه شکنجه ی متهم به منظور اخذ اقرار
- ۲- اجبار متهم به امور دیگر (غیر از شکنجه) به منظور اخذ اقرار
- ۳- اعتبار دادن به اقرارهای اخذ شده ناشی از شکنجه یا اجبار

بند ده

- ۱- عدم توجه به اصول و شیوه های علمی در امر تحقیقات و بازجویی
- ۲- عدم برخورد سلسله مراتب با کسانی که ترتیبات و مقررات را در امر تحقیقات و بازجویی ها نادیده گرفته اند.
- ۳- عدم برخورد سلسله مراتب با کسانی که اصول و شیوه های علمی و قانونی را در امر تحقیقات و بازجویی ها نادیده گرفته اند

بند یازده

- ۱- پرسش های غیر مفید، مبهم یا غیر مرتبط با اتهام یا اتهام های انتسابی
- ۲- کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی افراد
- ۳- پرسش از گناهان گذشته ی افراد
- ۴- پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده ی مورد بررسی

بند دوازده

- ۱- نوشتن پاسخ ها به کیفیت اظهار شده
- ۲- تغییر و تبدیل در پاسخ های ابراز شده
- ۳- نخواندن پاسخ های نوشته شده برای فرد اظهار کننده
- ۴- جلوگیری از نوشتن پاسخ پرسش ها از سوی افراد با سواد

بند چهارده

- ۱- دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان
- ۲- عدم مراقبت از اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان
- ۳- استفاده شخصی و اداری از اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان

منابع:

الف-کتابها:

- ۱- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری (جلد اول) چاپ یازدهم، مهر ۱۳۹۴، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
- ۲- -----، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ششم، فروردین ۱۳۹۵، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
- ۳- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای اختصاصی، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۸، تهران، نشر میزان
- ۴- مهابادی، علی اصغر، آیین دادرسی کیفری کاربردی، چاپ سوم، ۱۳۹۴، تهران، نشر دوران‌دیشان

۵-یکرنگی، محمد، جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، چاپ اول، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات خرسندی
ب- مقالات:

- ۱- موذن زادگان، حسنعلی و محمدکوره پز، حسین، مقاله ی «ضمانت های اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرایند تحقیقات پلیسی»، نشریه ی آموزه های حقوق کیفری، شماره ی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۵۳-۸۶